

## بررسی نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری (با تاکید بر هنر کتاب‌آرایی و معماری)

معصومه سادات نظم<sup>۱</sup>

امید سپهری راد<sup>۲</sup>

رجبعلی وثوقی مطلق<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

### چکیده

سیاست همواره تأثیرات زیادی در تحول و تنوع هنرهای یک تمدن داشته است. دوره‌ی تاریخی تیموری، یکی از دوره‌های باشکوه فرهنگی می‌باشد. حاکمان تیموری با آگاهی از جایگاه هنر و کمک گرفتن از هنرمندان، علاوه بر تثبیت و عظمت نمایی قدرت سیاسی خود، موجبات شکوهمندی هنری را نیز فراهم ساختند. هدف اصلی پژوهش، بررسی تأثیر و نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری می‌باشد. پژوهش به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات، از طریق منابع تاریخی هنری کتابخانه‌ای، انجام گرفته و با طرح این سوال که؛ کدام عوامل سیاسی نقش مهمی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری داشته و تحول پدید آمده در کدام هنرهای تزئینی بیشتر بوده است؟ به بررسی نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری، می‌پردازد. از نتایج به دست آمده می‌توان عظمت نمایی و شکوه درباری، مقابله با رقبا، از طریق تبلیغ سیاسی، تشکیل کارگاه‌های علمی و هنری توسط وزرا ارتباط با دولت‌های همجوار (چین)، حضور هنرمندان در مراکز هنری و تشکیل مکاتب هنری شیراز و هرات، اشاره کرد که از یک سو، حاکمان را بر اهداف سیاسی خود می‌رساند و از سوی دیگر، موجب خلاقیت هنرمندان تکامل و تحول سبک هنری در نقوش، از طریق شکل‌گیری مکاتب هنری در هنرهای تزئینی کتاب‌آرایی و معماری گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست، هنرهای تزئینی، کتاب‌آرایی، معماری، عصر تیموری

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری تاریخ واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (nazmbgnordi@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول) (omid-sepohri@yahoo.com)

<sup>۳</sup> - استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (ra.vosoghi@gmail.com)

## مقدمه

هنر ایرانی از دیرباز مورد حمایت دربار شاهان و سیاست‌های آن بوده است. حاکمان در تاریخ فرهنگی ایران، همواره نقش مهمی در هنر و تحولات آن، داشته‌اند. هنر وسیله‌ای برای اهداف سیاسی شاهان، جهت تجسم بخشی به آرمانها و خواسته‌های خود، بوده است. یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و تمدنی پس از رکود حملات مغول و تیموری، دوره‌ی تیموری می‌باشد که مجدداً رونق و تحول در فرهنگ و هنر را با توجه به سیاست‌های حاکمان و امراء در رسیدن به اهداف خود داشته‌اند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری با تاکید بر هنر کتاب‌آرایی و معماری است. در این مقاله سعی شده به این سوالات پاسخ داده شود که:

۱- ارتباط هنر و سیاست چگونه بوده است؟

۲- عوامل موثر بر مناسبات هنر و سیاست و تحول در هنرهای تزئینی عصر تیموری کدامند؟

۳- سیاست‌های حاکمان در تحول کدام هنرها بیشتر، تاثیرگذار بوده است؟

مقاله حاضر در صدد آن است تا با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، نقش عوامل سیاسی و سیاست‌های حاکمان را در تحول هنرهای تزئینی دوره‌ی مورد نظر و پیامدهای آن را مورد بررسی، قرار دهد. اهمیت و ضرورت این تحقیق در این است که تا کنون به بررسی تخصصی و دقیق پیرامون نقش تاثیرگذاری عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری پرداخت نشده و می‌تواند آغازی بر تحقیقات جامعی، در این زمینه باشد.

## پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر، باید گفت بطور مستقل و جدی، پژوهش صورت نگرفته و در منابع اشاراتی مختصر، در کنار عوامل دیگر شکل‌گیری یک هنر و تکامل و تحول آن، بیان گردیده است. در کتاب‌های تاریخ ایران دوره تیموری ترجمه آژند (۱۳۸۲) و تاریخ تیموریان و ترکمانان میر جعفری (۱۳۹۳)، پیرامون تاریخ تیموریان و تحولات سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته، اما به علل و زمینه‌های تحول در هنرهای تزئینی آن و ارتباط با مسائل سیاسی اشاره‌ایی نداشته است. در کتاب‌های هنری مانند هنر تیموری کاوسی (۱۳۸۹) و هنر ایلخانی و تیموری شرآتو و گروبه (۱۳۹۱)، اگرچه به طور تخصصی در مورد هنرهای دوره‌ی تیموری پرداخته، اما هر یک از هنرهای رایج این دوره را به طور مختصر، بیان کرده به منظر آشنایی و به ذکر تحول و تکامل هنرها و دلایل آن اشاره‌ایی نداشته است. علاوه بر کتاب، مقالاتی چند در این مورد نوشته شده که به برخی اشاره می‌شود. مقاله «هنر و سیاست» قزلسفلی (۱۳۸۲)، که در آن به ارتباط میان هنر و سیاست پرداخته شده و این که دولت و نهادهای سیاسی از هنر بهره‌برداری سیاسی داشته و می‌تواند با توجه به اینکه به یکی از علل تاثیرگذار در توسعه هنر اشاره کرده تا حدی مفید باشد.

در مقاله «هنر کتاب‌آرایی مکتب هرات در عصر تیموری» طاهرخانی و بهروزی (۱۳۹۵)، اشاراتی به حمایت حاکمان از هنر کتاب‌آرایی شده و به بررسی روند کتاب‌آرایی در مکتب هرات پرداخته و ارتباط دربار را در رونق هنر کتاب‌آرایی بیان کرده که مورد توجه است. در مقاله «نقش حامیان هنر در اعتلای فرهنگ و هنر دوره تیموریان» قبادی و عمادی (۱۳۹۳) به بررسی نقش شاهزادگان در رونق و شکوفایی هنر و ادب تیموری در شهر هرات پرداخته و این که چه اشخاصی در اعتلای فرهنگی و هنری هرات تاثیرگذار بوده‌اند و از ذکر علل چگونگی تاثیر بر تحول هنرهای تزئینی خوداری شده است. در مقاله «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان» دستجردی و اله یاری (۱۳۹۵) اشاره به جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران دوره تیموری دارد و این که عاملی برای تبلور هنر و دستاوردهای هنری می‌باشند ولی به طور واضح اشاره‌ای به نقش هنرمندان در تحول هنرهای تزئینی نداشته است. در مقاله «سبک و تزئین معماری بناهای دوره تیموری» رسولی، اعتصام و متین (۱۳۹۴) به بررسی سبک هنر معماری و رونق آن در دوره تیموریان و عناصر تزئینی آن پرداخته شده، اما از چگونگی تحول و تنوع در تزئینات بنا خودداری نموده است. در این آثار، بیشتر به بیان اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به صورت محدود و بیشتر جنبه تاریخی داشته و اگر مسائل فرهنگی و هنری را اشاره کرده، سیر تاریخی در

مورد هر یک از هنرها، بدون ذکر علل و عوامل سیاسی و نقش آنها در تحول هنرهای تزئینی، بوده است. اما در پژوهش حاضر به صورت اختصاصی و تحقیقی، نقش عوامل سیاسی و تاثیراتی که بر تحول در هنرهای تزئینی کتاب‌آرایی و معماری داشته، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، این پژوهش از نظر موضوع جدید است و می‌تواند زمینه‌ای باشد برای سایر محققان تا پژوهش‌هایی دیگری در این زمینه انجام گیرد.

## روش تحقیق

این پژوهش به روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به صورت فیش‌برداری از اسناد و جمع‌آوری مستندات و اطلاعات مربوط به بررسی نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری با تاکید بر هنر کتاب‌آرایی و معماری می‌باشد که در پاسخ به سئوالات پژوهش، ارائه گردیده است.

## ۱- هنر و سیاست

بین هنر و سیاست، رابطه اصلی مبتنی بر حمایت و تقابل وجود دارد. نتیجه این رابطه به چهارگونه می‌باشد. اینکه هنر، در حمایت سیاست و از طرفی سیاست در حمایت هنر است؛ هنر می‌تواند در تقابل با سیاست و سیاست در تقابل با هنر، قرار بگیرد. در این میان به پیشبرد اهداف دولت و دستگاه سلطنت و طبقات و دسته‌بندی‌های سیاست کمک می‌کند و به یکی از انواع فعالیت‌های سیاسی تبدیل می‌شود. (رامین، ۱۳۹۱: ۱۳۳) با توجه به این که گرایش به هنر در میان حاکمان ایرانی از دوران کهن وجود داشته، بسیاری از شاهان جدای از علاقمندی و داشتن ذوق هنری، حمایت از هنر، تحول و تکامل آن را مورد توجه قرار داده و هنر و سیاست را به هم نزدیک ساخته تا در سایه‌ی هنر، راحت تر به اهداف خود برسند. اهمیت و جایگاه هنر در ارتباط با سیاست و دستگاه حاکمه باعث شده که حتی ادبا در کلام خود مبنی بر پند و اندرز، حاکمان و امراء را به حمایت از هنر و هنرمندان تشویق کنند. سعدی در رساله نصیحت الملوک در این باره اشاره داشته که: « پادشاه نیک سیرت را کسی می‌داند که هنر و هنرمندان را نکو دارد تا بی‌هنران راغب شوند و هنرپرورند و فضل و ادب

شایع گردد و مملکت را کمال بیفزاید.» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۲) با این توضیحات می‌توان فهمید که رابطه سیاست و هنر، همواره مورد توجه بوده و در دوره‌های تاریخی حکومت‌های ایرانی، از جمله تیموری نیز توجه به هنر، در کنار اهداف سیاسی موجب رونق و تحول در انواع هنر، از جمله هنرهای تزئینی گردد. هنرمندان در این راستا می‌توانند از برنامه‌های سیاسی مشخص حمایت کنند و آنها را در آثار هنری خود به تصویر بکشند. بنابراین حاکمان به حمایت از هنر، هرگونه فعالیتی در جهت توجه به هنرمندان نظیر کارهای نظارتی، ایجاد مکان‌هایی برای فعالیت‌های هنری، پرداختند، که در این میان هزینه‌هایی را نیز مورد توجه قرار می‌دادند. این مسئله در دوره‌های تاریخی حکومت‌های ایرانی مشاهده می‌گردد و باعث شده تحولاتی را در انواع هنر به دنبال داشته باشد. (رامین، ۱۳۹۱: ۱۳۳)

رسم حکام و سلاطین که قصد ایجاد بناهای معماری چون، مساجد، قصرها و دیگر هنرها نظیر هنر کتاب‌آرایی با نگارش کتاب تاریخی، حماسی، ادبی و غیره را داشتند، باعث شد که از هنرمندان خلاق و برجسته استفاده کنند. و به ایجاد و توسعه‌ی هنرهای مختلف بپردازند. بنابراین، ایران به عنوان یکی از کانون‌های هنر و تمدن اسلامی، در عرصه‌های مختلف هنری درآمده و آثار برجسته‌ایی را پدید آورده که تحت تاثیر سیاست‌های حاکمان قرار گرفته است. (نصر، ۱۳۹۴: ۶۷)

انواع هنر و از جمله هنرهای تزئینی نیز، در مسیر توسعه و تحول قرار گرفت. این حرکت گاهی با توجه به فضای فکری و سیاسی دوره‌ای از تاریخ به کندی، و زمانی به علت قدرت سیاسی و حمایت‌های مادی و معنوی حاکمان و امراء با پیشرفت، ادامه می‌یافت. نتیجه‌ی آن، ظهور آثار فرهنگی و هنری، در قالب سبک‌های مختلف هنری بوده که از عوامل سیاسی و سیاست‌های حاکمان نیز تاثیر گرفته است. (حقیقت، ۱۳۶۹: ۱۹۱/۱ - ۱۹۰)

دوره‌ی هنری ایران در عصر ایلخانی و تیموری نیز، بعد از وقفه‌ایی که با حملات مغولان و تیموریان پدید آمده، دوران رشد و شکوفایی و تنوع در هنرها، به خصوص هنرهای تزئینی ایجاد شد. این مساله به دنبال ثبات سیاسی و امنیتی که از سوی حاکمان و توجه آنها به هنر انجام شده، ایجاد شد. (شراتو و گروه، ۱۳۷۹: ۷۸)

البته در این میان، عوامل سیاسی چندی نیز دخالت داشته که به بررسی این عوامل و نقش آن‌ها در تحول و تکامل هنرهای تزئینی عصر تیموری پرداخته می‌شود.

## ۲- عوامل سیاسی موثر در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری

### ۲-۱- عظمت نمایی و اقتدار حکومتی

در دوره تیموری شکوه و اقتدار درباری مورد توجه بود و موجبات رونق و تحول در هنرهای مختلف، از جمله هنرهای تزئینی گردید. آشنایی تیمور با ملوک و پادشاهان ایرانی و سنتی که این شاهان را بر می‌انگیخت تا درگاه خود را به دیگر فرمانروایان بنمایاند، می‌توانست انگیزه‌ای باشد که آنان نیز برای نشان دادن شکوه و عظمت دربار خویش، همان سنت را در پیش بگیرند. (حسینی تربتی، ۱۳۴۳: ۲۲۲) اگرچه تیمور با رویکرد سلطه‌جویانه و شخصیت قدرت طلبانه، اکثراً به جنگ و ستیزهایی مشغول بود که حاصلی جز ویرانی به همراه نداشت. اما به واسطه هوش ذاتی، بهره‌گیری از هنرمندان و حمایت از آن‌ها را یکی از عناصر دوام و استمرار قدرت، می‌دانست. تیمور در همه فتوحات خود، از خون صنعت‌گران و هنرمندان در می‌گذشت و آنان را به تختگاه سمرقند، می‌فرستاد. (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۶۲) با وجود رفتار سخت‌گیرانه، در جهت جلب هنرمندان می‌کوشید و با استفاده از سیاست، به ایجاد کانون‌های هنری و متمرکزسازی هنرمندان، می‌پرداخت. تیمور در پی آن بود که با تشکیل یک هسته فرهنگی هنری، براعتبار خود بیفزاید و قدرتش را با شکوه نماید. (لعل شاطری، ش ۱۰، ۱۳۹۳: ۶۱) جانشینان تیمور نیز در همه زمین‌ها، از تیمور تأثیر پذیرفتند، به ویژه در احترام به دانشمندان، هنرمندان و صنعت‌گران و در این راه، از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۶۳) دولت مردان تیموری در کنار قریحه هنردوستی خود که موجب علاقه و توجه به هنرها شد، می‌کوشیدند با واسطه به هنر، به اغراض سیاسی خود دست یابند. آژند معتقد است که: «در بار آنها از این طریق، به اعتبار فرهنگی، دست می‌یافت و این اعتبار فرهنگی نشان از اقتدار و حتی مشروعیت آنها در نظر رقبا و رعایا، محسوب می‌گردید. در واقع اعتبار فرهنگی «برای آنها، اعتبار سیاسی را در پی داشت.» (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

در سایه‌ی فضای پر بار فرهنگی و هنری که براساس بینش سیاسی شاهان و شاهزادگان تیموری پدید آمده، هنرمندان ماهری از سراسر قلمرو، به مناطق شرقی ایران روانه شدند. با فعالیت آنها در کارگاه‌های سلطنتی، به رونق انواع هنرهای تزئینی و تحول در آن هنرها، انجامید. (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۸) بیشترین توسعه و تحول در هنرهای تزئینی مربوط هنر کتاب‌آرایی و معماری و تزئینات وابسته به آن بود که به بررسی آن می‌پردازیم.

### الف: هنر کتاب‌آرایی

رونق و تحول در هنرهای تزئینی دوره‌ی تیموری، با سیاست، قدرت و ثروت آن، بستگی داشته است. تیمور با حمله به ایران به هرج و مرج سیاسی دوران حکومت ملوک‌الطوایفی پس از سقوط ایلخانان، پایان داد و فصل جدیدی، از فرهنگ و هنر را آغاز کرد. تیمور با تجمع ثروت در قلمرو تحت نفوذش و گردآوری هنرمندان، موقعیت مناسبی جهت به عرصه رسیدن هنرهای تزئینی و تحول در آن را، به وجود آورد. (شراتو و گروه، ۱۳۷۹: ۷۳) حاکمان و وزراء با تشویق و ترغیب هنرمندان، به دوباره‌نویسی و گردآوری آثار گذشتگان پرداختند. در نتیجه‌ی آن موجب ایجاد آثار هنری در قالب کتاب‌آرایی، در عهد مغول و پس از آن در عهد تیموری گردید. در این دوره نیز به سبب ارزشی که برای حفظ و احیاء آثار گذشته قائل می‌شدند، هنر کتاب‌آرایی که از هنرهای تزئینی می‌باشد، آغاز شد و آثار نفیسی را در این زمینه پدید آوردند. (شراتو و گروه، ۱۳۷۹: ۸۰)

تمایل به زیبایی و افراط در نمایش اقتدار و شکوه، در هنر این دوره بالا می‌رود. تولید مصحفی مانند مصحف باسیف غری، را حاصل تفکر قومی مغولان و ترکان سلجوقی دانست که با توجه به نزدیکی قومی تیموریان با این قوم، هم چنان تداوم یافت و ابعاد چنین آثار هنری نیز، بزرگ‌تر شد که نماد قدرت سیاسی و شکوه آن را به نمایش می‌گذارد. (گروسه، ۱۳۷۹: ۷۵۸). چنان چه در هنر تزئینی کتاب‌آرایی، آن را نشان می‌دهد. تولید مصاحف بزرگ قرآنی به همراه رشد و تکوین خوشنویسی، در حوزه انواع خطوط ثلث، محقق و ریحان، که از دوره‌ی سلجوقی شکل گرفت. این خطوط در کنار تذهیب‌های درشت اقلام، اما مجلل و با شکوه، صفحات را درخشان و زیبا می‌ساخت. در سایه‌ی گرایشات سیاسی و فرهنگی، تیموریان

تفاوت‌هایی با دیگر حکومت‌های مهاجم داشته و دستاوردهای با شکوهی در کتاب‌آرایی و معماری و تزئینات آن، به ظهور رسید. (اقبال، ۱۳۶۵: ۳۶۵) در هنر کتاب‌آرایی، نگارگری نیز به شکوفایی رسید. آنها علاوه بر علاقمندی به هنر و هنرمندان، می‌توانستند به واسطه‌ی هنر، به اهداف سیاسی خود نیز، دست یابند. رسم نمودن تصاویری با شکوه، با رنگ‌آمیزی متنوع و روشن در متن کتاب‌های نوشته شده در کارگاه‌های دولتی و با سبکی جدید هنری، حکایت نزدیکی هنر نقاشی با سیاست و اهداف حاکمان را نشان می‌دهد که همراه با خلاقیت و نبوغ هنرمندان انجام گرفته است.

نمایش ظاهری شکوهمند و زیبا که متناسب با دربار بوده، تحولی اساسی در این دوره به شمار می‌رفت. حاکمان تیموری مانند بایسنغر کتابخانه‌ای را در هرات بنا نهاد. برگزیده‌ای از خوشنویسان، مذهبین، مصورین، مجلدین و نقاشان سرگرم کار بودند و از کتاب‌هایی که در اختیارشان نهاده می‌شد، استنساخ می‌کردند. (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۷۳) طوری که چنین حجم عظیم از نسخ خطی نفیس، تا قبل از این دوره به این اندازه، مشاهده نمی‌شد. (آدامووا، ۱۳۸۶: ۱۸) با مطالعه‌ی نسخ خطی و کتیبه‌های این دوران، به روشنی می‌توان فهمید، که حاکمان تیموری از این آثار، به عنوان وسیله‌ایی برای بیان ملک شاهی، استفاده می‌کردند. در عین حال، این نسخ خطی بازتاب تمایلات زیبایی‌شناسانه‌ی آنها در هنر، مذهب و سیاست بود. آنها نوعی پیوند مستقیم میان توان فرهنگی و اعتبار سیاسی خود، به وجود آوردند که به آنها اجازه داد، تا بتوانند یکی از فرهیخته‌ترین دربارها را بگسترانند. حمایت از فرهنگ و هنر، از برنامه‌های سیاسی مهم تیموریان بوده که در دوره فرمانروایی هر یک، پیوسته دنبال می‌شد. ثبات قدرت حاکم، در آماده‌سازی شرایط برای هنرآفرینی صنعتگران و هنرمندان، نقش اساسی داشت. (کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۴) در واقع « سرمایه، قدرت و ثروت، همان کاری را با ظواهر کرد که نستعلیق و تشعیر با کتاب‌آرایی» ارزش‌های زیبا شناختی کتاب‌های خطی مصور و بنیاد هنر کتاب نگاری در دربارهای ایران تیموری در هرات و دیگر قلمرو فرمانروایی آنان، واجد اهمیت و ارزش بسیاری گشت و مبدل به مهمترین و اساسی‌ترین تجلیات هنرهای دیداری شد. (آدامووا، ۱۳۸۶: ۱۸) سرمایه‌گذاری و حمایت فرمانروایان در



این دوره از هنرها، خصوصاً خوشنویسی، یکی از عوامل رشد و تحول در این هنر و تداوم آن در دوره‌های آینده، گردید. آنها با حمایت‌های مالی، تامین امنیت شغلی و حمایت سیاسی هنرمندان از طریق قرار دادن آنها در جایگاه‌های مطرح سیاسی واداری، زمینه‌ی ایجاد و بروز خلاقیت آنان را، فراهم آوردند. در زمینه‌ی خوشنویسی و دیگر هنرها، با باروری فرهنگی ایرانی، اکثر شاهان این دوره در قلمرو فرهنگ ایرانی اسلامی، آموزش دیده بودند. بنابراین، شاهد گستردگی دربارهای شاهی به عنوان مرکزی هنری، هستیم که برای جذب هنرمندان، با یکدیگر رقابت می‌کردند. (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۹۸)

البته قدرت تنها در پایتخت متمرکز نبوده، بلکه در میان دربارهای شاهزادگان چون اسکندر سلطان، سلطان الغبیگ و بایسنغر نیز، پراکنده بود. آنان برای جلب هنرمندان نقاش، خوشنویس و دیگر هنرمندان، به قصد افزودن اعتبار و شکوه به دربارهای خود، می‌کوشیدند. چنانچه در دوران فرمانروایی شاهرخ، هنر کتابت وسیله‌ای برپیان و ارائه دیدگاه‌های شخصی و حکومتی، اهمیت به سزائی یافت. (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۲)

### ب: معماری و تزئینات بنا

علاوه بر هنر کتاب‌آرایی، معماری نیز تحت تاثیر نمایش قدرت و شکوه در این دوره قرار گرفت. تزئین بناها به سمت و سوی ریزه‌کاری و تجمل، حرکت کرد. بناهای تشریفاتی و سلطنتی در این دور ساخته و با تزئینات معماری، مزین گشت، که علاوه بر نشان دادن اقتدار و شکوه حکومتی، عامل مهمی در رونق، شکوفایی و تحول هنر تزئینی معماری در این دوره، به شمار می‌رفت. سطوح گسترده‌ایی از بناها که توسط کاشی ازاره‌ای، لچکی، دیوارهای بیرونی، درون ایوان، بدنه، ستون و کف، با فنون تزئینی متنوع نقاشی دیواری، آجرکاری، سفال لعاب‌دار، کنده‌کاری و حجاری، تزئین شده‌اند. این موارد از ویژگی بناهای عصر تیموری است که با حمایت و علاقه حاکمان و هنرمندان برپا شده‌اند که نشان از عظمت‌نمایی و شکوه حکومتی آنها را می‌رساند. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۹۷) علاقمندی سلاطین تیموری به ایجاد بناهای مرتفع و با شکوه، به همراه تزئینات، موجبات تحول در هنرهای تزئینی معماری شده است. بنابراین ساختمان‌های مرتفع و با شکوه، با سرعت در این راه، ساخته می‌شد.

(میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۳۹) وجود بناهای سلطنتی این دوره به همراه تزئینات متنوع در آنها، نشان از شکوه و اقتدار درباری و سیاسی، بوده است. با توجه به ادعاهای تاریخی، سلاطین تیموری دارای بارگاه‌های سلطنتی با شکوه بوده‌اند. (ادکین، ۱۳۸۶: ۳۹ و ۳۵) برای اساس، تیمور کاخ بزرگی در زادگاه خود، «کش» بنا کرد که به دربار خود، عظمت ببخشد. (آژند، ۱۳۸۲: ۳۲۲)

کلاویخو که سالها بعد ساختمان نیمه‌کاره آن را دید، بیان کرد: «بنای کاخ در آن زمان، از نظر نقشه جدید بوده است. نمای آن دارای سه ایوان مرکزی که به حیاط باز می‌شد و پوشیده از مرمر بود. دیوارهای تالار از کاشی‌های لاجوردی، فیروزه‌ای و سبز، در آن جلوه می‌کرد. به لحاظ هنری، تزئین شده بود، تا به نسبت‌های هماهنگی، این نقش عظیم را منظم کنند. یک بنای کم نظیر و با شکوه بود.» (کلاویخو، ۱۳۸۵: ۶۱) از یک سو نبوغ فکری و هنری ایرانیان، و از سویی علاقه حاکم را برای داشتن یک کاخ عظیم و با شکوه، جهت نشان دادن اقتدار شاهانه خود بوده است. حاکمان تیموری به دنبال ایجاد ساختمان‌های بلند و با شکوه بودند که باید با سرعت زیاد، ساخته می‌شد. در کنار ساختمان‌های عظیم، تزئینات آن نیز مورد توجه بوده است. تعداد زیادی از هنرمندان، با حمایت‌های حاکمان تیموری در مناطقی مانند سمرقند و هرات گرد آمده بودند. آنها آثار درخشانی از هنر معماری را با توجه به شکوه درباری شاهان و به کمک تزئینات متنوع، پدید آوردند. (آژند، ۱۳۸۲: ۳۲۳) هنرها همواره تحت تاثیر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان خود، به وجود آمده و به رشد و شکوفایی می‌رسد. چنان که تیمور با پیروزی در بسیاری از سرزمین‌ها و با کمک مردان سیاسی خود، ثروت کلانی را به دست آورد و آن را در شکوه و اقتدار حکومت خود هزینه نمود. بناهای زیبا و پرشکوه این عصر، نشان دهنده‌ی آن است که در زمان تیمور و فرزندانش، شرایط مناسبی برای به وجود آوردن این آثار، وجود داشته که در سایه‌ی سیاست‌های درباری، رونق یافته است. هنر معماری دوره‌ی تیموری، به همراه تزئینات وابسته به آن در سایه اقتدار سیاسی، نظامی و مبتنی بر علائق هنری حاکمان، شرایط مطلوبی را برای رشد و خلق آثار معماری

فراهم آورد. نتیجه‌ی آن، اجتماع بزرگی از هنرمندان سرتا سر ایران بود که از این طریق، فرصتی برای رشد و تحول در هنرهای تزئینی نیز، پدید آمد. (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۳۹)

## ۲- تبلیغ سیاسی

از هنرها نیز برای تبلیغات سیاسی در حکومت استفاده می‌شده است. تبلیغ سیاسی به حاکمان کمک می‌کند که ضمن نشان دادن اقتدار و شکوه درباری و حکومتی، به مقابله با رقابای خود بپردازند. در دوره حکومت تیموری از هنرهای مختلف از جمله خوشنویسی برای تبلیغ و بزرگ جلوه قرار دادن حکومت به کار بردند. امیر علیشیر نوایی از خط در بنا به عنوان ابزاری برای تبلیغ سیاسی در کنار تبلیغ فرهنگ و هنر، استفاده نمود. خواند میر روایت کرده که: «امیر علیشیر خوشنویسی کتیبه‌های مسجد جامع هرات را به خواجه میرک، محول کرده او در نگارش کتیبه‌ها، تعلل کرد و باعث شد کاشی‌کاران بیکار مانند. امیر علیشیر به منظور غلبه یافتن براین مسئله، فرمان داد تا براتی ۵۰۰۰ دیناری برای خواجه میرک، صادر کنند و به او تحویل دهد. خواجه با شرمساری به مسجد رفت و تقاضای لغو برات کرد. امیر به شرطی قبول کرد که کتیبه را هر چه زودتر، پایان دهد. خواجه در خانه نشست و آن را ترک نکرد تا کار تمام شد.» (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۸) این روایت نشان می‌دهد که معماری و تزئینات آن، هزینه‌های زیادی دارد که می‌تواند وسیله‌ای برای نشان دادن قدرت و شوکت بانی بنا، رقابت با رقبا و بهره بردن از هنرمندان برجسته عصر، در هر یک از هنرهای تزئینی آن باشد. هنرمندانی برجسته چون میرک، سلطان علی مشهدی و میر علی هروی به هنرنمایی می‌پرداختند. (خواند میر، ۱۳۶۵: ۶۳) علاوه بر معماری از کتاب‌آرایی نیز به عنوان یک هدف تبلیغی و رقابت یا دولت‌های دیگر می‌توان استفاده نمود. نگارش یک کتاب تاریخی حماسی علاوه بر نشان دادن اقتدار حکومتی و ثبت روایات و حوادث تاریخی حکومت خود از پیروزی‌ها و بیان وسعت حکومتی به همراه تزئیناتی چون خوشنویسی، نقاشی، تذهیب و جلد نفیس می‌تواند هدیه‌ایی برای رقبای درباری در نشان دادن اقتدار سیاسی و فرهنگی باشد. با توجه به این که هنرمندان دوره‌ی تیموری در خدمت سلاطین به سر می‌بردند و نقش مهمی در شکوه درباری و رونق و تحول هنرها، داشتند جایگاه ویژه‌ایی را به دست

آورده بودند. آن‌ها دارای القاب و عناوینی چون سلطانی، شاهی برگرفته از نام سلاطین و شاهزادگان چون بایسنغری، حسینی، شاهرخی و غیره بودند.

این گروه از هنرمندان در کارگاه‌ها و کتابخانه‌های سلطنتی دوره تیموری، به هنروری مشغول بودند و علاوه بر تحول در انواع هنر، موجب اعتبار و شکوه دربار و حکومت می‌شدند. (نظام باختری، ۱۳۵۷: ۳۷۱/۱ و ۳۴۵) در رونق و شکوفایی هنرهای یک دوره، عوامل سیاسی در قالب اهداف حاکمان می‌تواند، تاثیر به‌سزایی داشته باشد. اقتدار و شکوه بخشی به دربار حکومت و تبلیغ سیاسی یکی از آن موارد می‌باشد که این عوامل را می‌توان، تاثیرگذار در تحول هنرهای تزئینی دوره تیموری، دانست.

### ۳- حمایت وزرا از هنرمندان

تسخیر ایران از سوی تیموریان، ابتدا در زمان تیمور با غارت و تاخت و تاز همراه بود. اما آشنایی تیمور با فرهنگ و هنر ایرانی، علاقمندی به هنرپروری و کمک گرفتن از وزاری ایرانی باعث شده به دنبال ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی، فرهنگ و هنر رشد و عظمت گذشته را به دست آورد. دربارهای هرات، سمرقند و شیراز، به سبب هنرپروری و هنرمندی حاکمان، حمایت و درایت وزرا، محل تجمع و آمد و شد هنرمندان و ادبای برجسته بود. (براون، ۱۳۷۵: ۵۲۶) امیرعلی شیرنواپی از معروف‌ترین وزرا و شخصیت‌های تاریخی دوره تیموری بوده که از دو جنبه سیاسی و فرهنگی مورد توجه است. به عقیده برتلس: «سلطان حسین خود به هنر و ادب ارج می‌نهاد و هرات را کانون اهالی هنری، فرهنگی و فکری کرده بود. بدون شک اگر جاذبه شخصیتی و تلاش‌های امیرعلی شیرنواپی در راستای رونق فرهنگی نبود، او هرگز قادر به تمرکز حیرت‌انگیز نیروهای فرهنگی در دارالسلطنه نبوده است.» (برتلس، ۱۳۴۸: ۲۰)

او که از بزرگ‌زادگان خاندان جغتای، حاکم ماورالنهر، بلخ و بدخشان بوده، در دولتخانه شهر هرات متولد شد. مادرش نیز دختر ابوسعید چنگ از امیرزادگان کابل، که در دستگاه تیموریان، دایه بود و فرزندش نسبت به حسین بایقرا، برادر رضاعی بود و امیر کودکی خود

را در مصاحبت با حسین بایقرا، در مشهد گذرانید. تا این که حسین بایقرا بر هرات مسلط گردید، او را به امارت، دیوان منصوب کرد. (ادیمیر، ۱۳۸۳: ۱۳۱) براساس نوشته خواندمیر، امیر به کسب علم و دانش و رونق هنر علاقه خاصی داشت و بیشتر عمر خود را در این راه صرف کرده است. (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱) اگر چه امیر پس از به قدرت رسیدن سلطان حسین در هرات، به منصب عالی امارت دیوان اعلا منصوب شد، اما دارای کارنامه‌ی فرهنگی بسیار درخشانی است. (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۰۹/۴) او که نویسنده‌ی توانا، شاعری خوش ذوق و هنرمندی چیره دست بود، در طول سی سال که اریکه قدرت را در دست داشت، جریان عظیم فرهنگی و هنری را پی افکند. با ایجاد طبقه‌ای از علما و هنرمندان در دربار هرات، این شهر را، مرکز فرهنگی و هنری آن روزگار، تبدیل نمود. (محمدی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۷) به شیوه‌های مختلفی در توسعه رونق و تحول در هنر و فرهنگ، تاثیر گذاشت و با فراهم آوردن امکانات رفاهی و آموزشی، دربار را به دارالصنایع بزرگی تبدیل کرده بود.

هنرمندان نیز به دور از دغدغه‌های معاش، به کار تولید علم و هنر پرداختند. (همان: ۳۷) بناهای زیادی توسط امیر علیشیرنوایی در حمایت از عالمان و هنرمندان به ویژه هنرمندان کتاب ساز، ساخته شده که می توان به اخلاصیه، شفائیه، نظامیه در هرات و خسرویه در مرو، اشاره کرد. این مراکز باعث آموزش، ترویج و تحول در هنرهای مختلف تزئینی از جمله هنر خوشنویس در کنار هنرها و سایر علوم، گردیده است. کتابخانه او نیز از مراکز مهم فرهنگی به شمار می رفت، که در آن هنرمندان خوشنویس و نگارگر در کنار دیگر هنرمندان، مشغول کار بوده اند. هزینه‌های بسیاری را صرف تدوین و تالیف کتاب‌های نفیس کرده که توسط ماهرترین هنرمندان خوشنویس، تذهیب کار، نوشته و تزئین گردیده است. (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۰-۳۱) این مسئله موجب انتشار نسخه‌ها و کتاب‌هایی در زمینه‌های مذهبی، علمی و تاریخی شد، که تا به امروز مانده است. هنرمندان خوشنویس، در کنار دیگر هنرمندان به کتابت و نسخه نویسی مشغول بودند. نتیجه آن تنوع در انواع خطوط نستعلیق، ثلث، ریحان، محقق، نسخ، رقاع و کوفی بود که نشان از تحول و تکامل در هنر خوشنویسی می باشد. (حبیبی، ۱۳۵۵: ۹۱۱) علاوه بر هنر خوشنویسی در اعتلای هنر نقاشی نیز سهم بزرگی، ایفا

نمود. بهزاد که از مهم ترین نقاشان آن عصر بود را به دربار دعوت کرد. هنر نقاشی مینیاتوری به کمک امیرعلیشیر نوایی درهرات، به اوج و شکوفایی رسید. (ویلسن ۱۳۶۶: ۱۷) در مجالس النفاثس آمده: «و آن مقداری مثل و نادر از خطاطان، نقاش، مذهب، مصور، محرر، صحاف و شاعر که به تربیت او در نشر و نما آمده معلوم نیست، که در هیچ زمانی جلوه کرده باشد. او نیز از این فنون و حمایت بهره تمام داشت. (نوایی ۱۳۶: ۱۳۷۳-۱۳۵) دربار امیرعلیشیر نوایی نه تنها محلی برای حمایت و رونق از هنرهایی از جمله خوشنویسی و نقاشی بوده بلکه تبدیل به مرکزی برای آموزش و تعلیم هنر و تربیت نسلی جدید، از هنرمندان شد. چنان که سلطان علی مشهدی با حمایت و توجه امیر، توانست در آرامش زندگی کند و شاگردانی زبر دست نظیر سلطان محمد خندان و دیگران را تربیت کند. (بیانی، ۱۲۸۳: ۲۵۲) امیرعلیشیر به همراه سلطان حسین بایقرا، از هنرمندان حمایت و اغلب آن ها را به دربار دعوت می کرد. مجالسی با حضور هنرمندان و علما تشکیل می داد. در این جلسات، مناظره های علمی برای عرضه آثار هنری و نقد و بررسی آنها، صورت می گرفت، که موجب تحولاتی در زمینه های هنری می گردید. حمایت امیر علاوه بر هنر کتاب آرایی موجب رونق و تحول در هنر معماری و تزئینات وابسته به آن را نیز فراهم ساخت. (نوایی، ۴۱، ۱۳۷۵-۴۰) علاقه ی او برای ساختن بناهای عام المنفعه نظیر مدارس و مساجد، موجب رونق هنر معماری در این دوره گردید. با توجه به منابع تاریخی دوره تیموری، بناهای بسیاری توسط امیرعلیشیرنوایی، احداث گردیده که توسط هنرمندان و صنعت گران، به بهترین وجه آراسته شده اند. این بناها با ذوق و هنر خوشنویسان آمیخته و به صورت کتیبه نویسی، به همراه دیگر هنرهای تزئینی نظیر گچ بری و کاشی کاری، تزئین و برجسته گردیده است. (بیانی، ۱۳۸۳: ۲۵۳) حمایت های مالی نیز در توسعه و تحول هنرهای تزئینی تأثیرگذار بوده است. در دیباچه موقوفات امیرعلیشیر آمده که: امیر از راه زراعت و املاکی که داشت، دارایی های درخور توجهی اندوخته بود. او از آن دارایی ها، بخشش های فراوانی به عالمان و هنرمندان روزگارش می کرد. چنان چه در روایت های آمده که: «او به کسانی که در رشته های مختلف علمی و فرهنگی فعالیت می کردند، حقوق ماهیانه پرداخت می کرده» (خواندمیر ۱۴۹: ۱۲۷۱)

حمایت و توجه امیر به صورت جدی از جریان خلاق هنری، فرهنگی، باعث بهبود و تحول در آن گردید و نتیجه آن تشکیل مکتب های هنری از جمله مکتب هنری هرات بود. در این مکتب ها هنرهایی چون خوشنویسی و نقاشی سیر رونق و تحول را پیموده اند. چنان چه در آن دوران، رونق بازار هنر و ادب و صنایع ظریف به مراتب بهتر از دوران پیش بود و سبک جدیدی در هنرهای مختلف، در هرات به وجود آمد. (شراتو، وگروبه، ۱۳۷۶: ۴۲) وجود استاد بزرگی مانند میرعلی هروی که بعد ها موجب گردید در مناطق دیگر، مکاتب هنری با حمایت حاکمان و امرا پایه ریزی گردد. میراث هنری شهر هرات، که با کمک حاکمان و وزرا شکل گرفته بود، به دلیل ارتباطات سیاسی با نواحی دیگر، به هند و عثمانی راه یافت. (حبیبی، ۱۳۵۵: ۲۲ و ۳۷)

در واقع شاهرخ، حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوائی از حامیان اصلی هنرمندان و تأثیر گذار در رونق و تحول در هنرهای تزئینی این دوره، نظیر کتاب آرایبی و معماری بوده و سبب شکل گیری مکتبی جدید با سبک هنری، طرح و نقوش متفاوت تری از دوران هنری قبل باشد.

#### ۴- روابط با دولت‌ها (چین)

یکی دیگر از عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری ایجاد روابط با دولت‌های دیگر بوده است. در واقع نفوذ تأثیرات خارجی از طریق برقراری روابط و رفت و آمد، می‌تواند در تحولات هنری و فرهنگی ایران، تأثیرگذار باشد. ایران در آن زمان به عنوان جزئی از امپراتوری اسلامی بود و افکار نوظهور چه از لحاظ هنری و چه معنوی و دانش به آسانی مبادله می‌شد. اگرچه هنرمندان ایرانی، تحت تأثیر افکار خارجی قرار می‌گرفتند، اما می‌توانستند آن را در خود حل و هضم سازند. (آربری، ۱۳۶۰: ۱۶۰) روابط میان ایران و چین در رونق مبادله فرهنگی و هنری و تحول در هنرهای آن، تأثیر سازنده‌ایی در عصر تیموری داشته است. (رایس، ۱۳۷۵: ۱۴۳) ماهیت روابط ایران و چین در دوره تیموری فرهنگی و تجاری بود. وجود داد و ستد کالاهای مختلف میان دو کشور، با تأثیر هنر مینیاتوری و نقاشی‌های مکتب هرات بر یکدیگر، دلیل این مدعا است. (ساسان‌پور، ۱۳۸۵: ۱۸) گسترش

روابط فرهنگی با چین، تاثیر سازنده در هنرهای عصر تیموری ایجاد کرد. تیمور نیز خود هنرمندان و دانشمندان را به مقر حکومتش دعوت می‌کرد. (رایس، ۱۳۷۵: ۱۲۲) در مطلع السعدین آمده که برای شناخت چین و وضعیت اقتصادی و فرهنگی آن در عصر تیموری، به دلیل روابط ایران و چین دستاوردهای فرهنگی دو کشور، در یکدیگر متجلی شد. چنان چه در آثار مورخان و شاعران از چین یا ختا سخن گفته شده است. هم چنین هنرهای چینی مانند نقاشی، سفالگری و چینی‌سازی در این دوره، به وضوح مشاهده می‌شود. البته هنرمندان ایرانی به تقلید صرف نپرداخته، بلکه تعالیم فرهنگی و هنری دولت‌های دیگر را مطابق ذوق و سلیقه خود تغییر داده و استفاده کرده‌اند. (اشرفی و میرجعفری، ۱۳۸۹: ۵۵) هم زمان با قدرت‌یابی تیمور، سلسله پادشاهی ملی چین، مینگ، خاندان چنگیزی را از تخت سلطنت چین رانده و به اوج قدرت رسید. امیر تیمور چندین بار سفرایی را به دربار چین فرستاد و هدایایی را ارسال داشت. امپراتور چین نیز سفیرش قونگان را به نزد تیمور فرستاد. (گروسه، ۱۳۷۹: ۷۵۴) در زمان تیمور، شهر سمرقند رونق بسیار یافت. کالاهای چین در بازارهای آن، خرید و فروش می‌شد. کلاویخو در این باره می‌نویسد: «از چین پرنیان بسیار مرغوب و حریر غیر زربفت می‌آوردند. هم چنین مشک و دیگر کالاها که بدان مشهور بودند، وجود دارد. کالاهای چین، از دیگر سرزمین‌ها گرانبها تر بوده است.» (کلاویخو، ۱۳۸۵: ۲۹۱) البته این روابط دوستانه دیری نپائید، زیرا گزارشات مبنی بر بدرفتاری و قتل مسلمانان ساکن چین توسط امپراتوری چین به تیمور رسید. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۱۲/ ۸۹۴) دوران حکومت شاهرخ، دوران ثبات سیاسی و گسترش ارتباطات و شکوفایی نهضت علمی و هنری بوده است. اگرچه تیمور صنعتگران، هنرمندان و دانشمندان را به سمرقند، کوچ داد، ولی دورانی پر از جوش و خروش و یورش بود. در زمان شاهرخ، ارتباط سیاسی و در سایه‌ی آن، فرهنگی با جهان خارج، گسترده‌تر شد. (نوابی، ۱۳۹۶: ۸۳-۸۲) او شخصیتی فاضل و آرامش طلب بود و روحیات هیچ کدام از طرفین، جهت سیاست خارجی را به اعمال سیاست‌های خشن هدایت نمی‌کرد. (مظاهری، ۱۳۷۳: ۴۸) سفیری را در جواب هیات چینی، فرستاد. در سال ۸۱۵ ق یک هیات چینی از سوی پادشاه، دای هنگ خان به هرات رسید. سفرا همراه با هدایا و دیگر بزرگان را آورده بودند و شاهرخ آنها را پذیرفت (بیات، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲) شاهرخ نیز



نمایندگانی را با هدف رونق تجارت و جلب نظر شاه چین نسبت به کالاهای فرهنگی و صنعتی ایران و حفظ امنیت راه‌ها و مرزها فرستاد. در این دوره کاروانسرا و رباط‌های زیادی ساخته شد که در رشد هنری و تسهیل رفت و آمد کاروان بازرگانان، موثر بوده است. (بلندی، ۱۳۸۶: ۱۶) با توجه به روابط تجاری و فرهنگی میان هرات و چین، انواع هنرها نیز، رونق یافت. مینیاتورهای چین و مینیاتورهای سبک هرات، به روشنی این روابط را تایید می‌کند. (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/ ۴۶۹ و ۴۶۷) هم‌زمان با حکومت شاهرخ، شهرت هرات مرکز سرزمین خراسان، علاوه بر جایگاه اجتماعی و سیاسی که داشت، کانون جنبش فرهنگی و ادبی عظیمی بود. در روابط با دولت‌ها، خاصه چین، این شهر محل رفت و آمد سفرا، هنرمندان و صنعت‌گران چینی بوده که در هنر و صنایع ایرانی، تاثیرات زیادی را در زمینه‌های سبک، طرح و نقوش داشته است. (کاوسی، ۱۳۸۷: ۳۵) آرامش نسبی دوره حکومت شاهرخ، توجه به امنیت راه‌ها و ایجاد، منازل مناسب شبکه ارتباطی، موجب رشد و آبادانی شهرها و مسائل فرهنگی گردید. گسترش روابط تجاری و اقتصادی، در روابط فرهنگی و تحولات هنرهای این دوره، نقش به‌سزایی داشت و امپراتوری چین نیز از شاهرخ تقاضای حمایت از بازرگانی چین را نمود. (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۸۴) در دوره شاهرخ روابط محکمی میان دربار هرات و چین برقرار بود و سفیران مختلفی به دربارهای یکدیگر فرستاده شدند و از همین طریق، هنرچینی به هنرهای ایرانی تأثیر گذارد. (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۲۵)

در واقع روابط دوستانه ایران و چین در دوره حکومت شاهرخ، عاملی برای رشد و شکوفایی فرهنگی، هنری و اقتصادی و در تحولات هنری آن نیز، تاثیر داشته و تایید زیادی بر گسترش و رشد هنرهای تزئینی چون نقاشی و صورت‌گری در بخش شرق دنیای اسلام نهاد. (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۶۸) آثار نقاشی و تزئینات چین را روی آثار نقاشی و دیگر هنرهای این دوره، می‌توان دید. به دلیل گسترده بودن روابط ایران و چین. (نوایی، ۱۳۶۶: ۹۹۳) گروهی از نقاشان و هنرمندان چینی، همراه هیات‌های سیاسی تیموری به ایران آمدند. آن گروه از هنرمندان، در هنرستان‌های مشهور آن زمان، به کار تدریس هنر و صنعت پرداختند. در برخی نقوش و صور عوامل چین و ایرانی در کنار یکدیگر، قرار گرفته و با هم اختلاط

یافتند، و باعث تحول و تنوع در سبک‌های هنری نیز گردیده است. (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۰۱) با توجه به ارتباطات میان چین و ایران در دوره تیموری، طرح‌ها و نقوش چینی را می‌توان در هنرهای مختلف این دوره، دید. نمونه آن، نسخه‌ی سته یکی از موارد متعدد تاثیر طرح‌های سلسله مینگ در چین، بر نقاشی و تصویرگری دوره تیموری است. مبادلات هنری زیادی میان چین و دربار تیموری انجام گرفت غیاث‌الدین نقاش، از نقاشان دربار بایسنغر میرزا، همراه هیئتی روانه پکن شد و مشاهدات خود را در خلال این سفر، نوشت. نوشتن نسخه‌های خطی به همراه طرح و نقش در این دوره، با کاغذهای رنگی و براق چینی، از دستاوردهای ارتباطات میان دو دولت، بوده است. این نقوش تحت تاثیر هنر چینی، طراحی و نقاشی شده و اشکال چینی را می‌توان، مشاهده کرد. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۶۲) با این حال نقاشی ایرانی در قالب مکتب هرات به تدریج، خود را از زیر این تاثیر و نفوذ بیرون کشید و راه دیگری را پیمود. در زمان شاهرخ و نقاشی این مرحله را پشت سر نهاد و موفق شد که آنچه را از دیگران فرا گرفته، در خود تحلیل کند. (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۲۵۱) روابط تجاری و فرهنگی علاوه بر تاثیرگذاری و تحول در هنر کتاب‌آرایی، فرهنگ و هنر چینی را می‌توان در ساخته‌های معماری نیز مشاهده کرد. چنانکه الغ بیگ یکی از کاخ‌های زیبای خود را که در نزدیکی شهر چوپان‌آقا ساخته شده بود را با مصنوعات زیبای چینی و با طرح و نقوش آن، مزین کرده بود. (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۸۴) در گزارشات گوناگون از جشن‌ها نیز، بیان شده که در آن دوره از مصنوعات دیگر علاوه بر کاشی و سرامیک با طرح و نقوش چینی، از پارچه‌های چینی و با نقوش چین، جهت زینت اماکن، استفاده می‌شده است. خواندمیر در بیان وقایع سال ۸۷۰ ق توصیفی از جشن تولد بایسنغر پسر ابوسعید می‌کند در آن، از پارچه‌های چینی که دارای نقوش و طرح‌های آن دولت بوده، برای زینت محل برگزاری جشن استفاده شده است. (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۸۳/۲) شرایط مساعد اقتصادی در دوره تیموری، علاوه بر عوامل سیاسی و اجتماعی، موجب شکوفایی فرهنگ و هنر در این دوره گردید. شهرهای مهم تجاری ایران در این دوره تبریز، سلطانیه، سمرقند و قندهار بودند. البته هرات در این میان از جایگاه اجتماعی و سیاسی، برخوردار بود و به عنوان پایتخت تیموریان، مهم‌ترین مرکز فرهنگی، بازرگانی و سیاسی ایران، به شمار می‌رفت. سیاست حاکمان تیموری، شکوفایی و رونق

اقتصادی بوده و ارتباط با همسایگان به خصوص روابط با چین، مهم تر بوده، که در سایه‌ی این ارتباطات تجاری، روابط فرهنگی ایجاد شد. این مساله موجبات تحولاتی در زمینه‌های مختلف هنری را به دنبال داشت. (کوسی، ۱۳۸۹: ۲۳) بدیهی است که روابط سیاسی و تجاری میان دولت می‌تواند در مسائل فرهنگی و هنری یک دوره، تاثیرگذار باشد. چنان چه در دوره‌ی تیموری به دلیل ارتباطات سیاسی، تجاری و فرهنگی میان دو دولت ایران و چین تاثیرات متقابل را در زمینه‌ی فرهنگی و هنری داشته است. این تاثیرات را می‌توان در انواع هنرهای تزئینی در قالب سبک هنری، طرح و نقوش آن، مشاهده کرد.

### نتیجه‌گیری

هنر و سیاست همواره در ارتباط با یکدیگر بوده و بر تحول و تکامل انواع هنرها تاثیر مستقیم داشته است. دولت‌ها در مسیر تاریخ، همواره از هنر با توجه به نقش‌پذیر بودن آن، جهت اهداف حکومتی و رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود، استفاده نموده‌اند. بنابراین با توجه به ارتباط میان هنر و سیاست و جنبه‌ی کاربردی آن در دوران تاریخی حکومت‌ها، مورد توجه بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است. با بررسی نقش عوامل سیاسی در تحول هنرهای تزئینی عصر تیموری با تاکید بر هنر کتاب‌آرایی و معماری، می‌توان دریافت که حاکمان از هنر، برای تحکیم قدرت استفاده کرده و با خدمت گرفتن هنرمندان، به افزایش مشروعیت سیاسی خود پرداخته و هم موجب تحول و تنوع در هنرهای تزئینی در کنار شکوه فرهنگی این دوره، گردیده‌اند. برای رسیدن به این هدف، عواملی چون شکوه و قدرت‌طلبی حکومتی، مقابله با رقبا و تبلیغات سیاسی، حمایت از هنرمندان و تشکیل کارگاه‌های هنری، برقراری روابط با دولت‌ها (چین) و در نهایت شکل‌گیری مکاتب هنری، در مراکز حکومتی هرات و شیراز، از طریق حضور هنرمندان در کارگاه‌های دولتی و ایجاد خلاقیت و نبوغ هنری آنان، که با آفرینش‌های هنری، به تحول و تکامل در هر یک از هنرها پرداخته‌اند. شکل‌گیری مکاتب هنری عصر تیموری نشان از دخالت و نظام مستقیم حکومت و حاکمان داشته که برای پیشبرد تمایلات سیاسی به آن توجه نموده‌اند. هنرمندان با نشان دادن صحنه‌های تاریخی و حماسی در نسخ کتابت شده در کارگاه‌های دولتی در قالب انواع هنرهای تزئینی

کتاب‌آرایی نظیر نقاشی، خوشنویسی، مجلدسازی و با ساختن بناهای با شکوه و عظیم به همراه تزئینات وابسته به هنر معماری مانند کاشی‌کاری، گچ‌بری، دیوارنگاری و خوشنویسی، از یک سو به شکوه و عظمت‌نمایی حکومت و سیاست‌های آنان پرداخته و سوی دیگر تحول، تنوع و تکامل هنرهای تزئینی را در قالب خلاقیت‌های هنری، به نمایش گذارده‌اند. این مساله نتیجه ارتباط سیاست و هنر و تاثیرگذاری عوامل سیاسی در هنرهای تزئینی عصر تیموری را بیان می‌سازد که از اهمیت بالایی برخوردار است.

## منابع

- آتابای، مهدی، (۱۳۷۷)، نگاهی به گوشه‌هایی از تاریخ ایران، بی جا، جامی.
- آربری، آرتورجان، (۱۳۶۰)، میراث ایران، ترجمه احمد بیرشک، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، مکتب نگارگری هرات، تهران: فرهنگستان هنر.
- آدامووا، آ. ت، (۱۳۸۶)، نگاره‌های ایرانی، ترجمه زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.
- آدیمر، هانس روبرت و دیگران، (۱۳۸۳)، تاریخ ایران در دوره تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- ابن عربشاه، احمدبن محمد، (۱۳۵۶)، زندگی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد، (۱۳۴۹)، روضات الجنات، ج ۲، به تصحیح محمدکاظم، تهران: انتشارات تهران.
- اقبال، عباس، (۱۳۶۵)، تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
- اوکین، برنارد، (۱۳۸۶)، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بارتولد، واسیلی و لادیمتر، (۱۳۸۶)، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سودآور، تهران: توس، چاپ سوم.
- بازیل، گری، (۱۳۷۹)، نقاشی ایران، ترجمه علی شروه، تهران: عصر جدید.
- بازیل، گری، (۱۳۶۹)، نقاشی ایران، ترجمه علی شروه، تهران: انتشارات عصر جدید.

- براون، ادوارد، (۱۳۷۵)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید، چاپ دوم.
- بیانی، مهدی، (۱۳۸۳)، احوال و آثار خوشنویسان، تهران: علمی و فرهنگی.
- پاکباز، روبین، (۱۳۸۷)، نقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.
- پاکباز، روبین، (۱۳۷۹)، دایره المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
- پوپ، آرتور ایهام، (۱۳۷۲)، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدر، تهران: فرهنگستان، چاپ سوم.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، (۱۳۸۳)، زبده التواریخ، ج ۳، تصحیح کمال حاج سید جواد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حبیبی، عبدالحی، (۱۳۵۵)، هنر عهد تیموری، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- حسینی تربتی ابوطالب، (۱۳۴۳)، تزوکات تیموری، تهران: اسدی.
- حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۹)، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان، ج ۱، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایرانی.
- خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین، (۱۳۸۰)، مآثر الملوک، ج ۲، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین، (۱۳۷۸)، مکارم الاخلاق، تصحیح محمد اکبر عتیق، تهران: میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین، (۱۳۵۳) حبیب السیر، ج ۲ و ۳، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام، چاپ دوم.

- دو غلات، حیدر میرزا، (۱۳۸۳)، تاریخ رشیدی، تصحیح عباس زریاب خویی، تهران: میراث مکتوب.
- دیماندا، م. س، (۱۳۶۶)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رامین، علی، (۱۳۹۱)، مبانی جامعه‌شناسی هنر، تهران: نشر نی.
- رایس، تالبوت، (۱۳۷۵)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: علمی و فرهنگی.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین، (۱۳۹۲)، رساله نصحیت‌الملوک، تهران: نظر.
- سمرقندی، دولت‌شاه علاءالدوله، (۱۳۶۶)، تذکره الشعراء، به اهتمام محمد رضانی تهران: پدیده.
- سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، (۱۳۸۳)، مطلع السعدین، ج ۲، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- شراتو، امبرو و گروبه. ارنست، (۱۳۷۹)، تاریخ هنر ایران در دوره ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، چاپ اول.
- عبدی. ناهید و میرزایی مهر، علی اصغر، (۱۳۸۷) آشنایی با مکاتب نقاشی، تهران: نشر و چاپ کتاب های درسی.
- فراهانی منفرد، مهدی، (۱۳۸۱) پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- کلاویخو، روی گنسالز، (۱۳۸۵)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کن‌بای، شیلا، (۱۳۷۸)، نقاشی ایران، ترجمه مهدی حسینی، تهران: دانشگاه تهران.

- گشایش، فرهاد، (۱۳۷۷)، تاریخ هنر ایران و جهان، تهران: عفاف، چاپ پنجم.
- گروسه، رنه، (۱۳۷۹)، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۷)، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، تهران: جامی.
- مظاهری، علی، (۱۳۷۳)، جاده ابریشم، ترجمه ملک‌ناصرنویان، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- منشی قمی، قاضی احمد، (۱۳۸۳)، گلستان هنر، تهران: منوچهری، چاپ دوم.
- منشی قمی، قاضی احمد، (۱۳۵۲)، گلستان هنر، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- میرجعفری، حسین، (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات دوره تیموری و ترکمانان، تهران: سمت.
- نصر، حسین، (۱۳۹۴)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت، چاپ سوم.
- نظام باخزری، عبدالواسع، (۱۳۵۷)، منشاء الانشاء، ج ۱، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- نوایی، امیرعلیشیر، (۱۳۷۵)، دیوان شعر، به اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- نوایی، امیرعلیشیر، (۱۳۷۳)، مجالس النفائس، ترجمه محمدقزوینی، تهران: منوچهری.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، ایران و جهان در دوره مغول تا قاجاریه، تهران: نشر موسسه هما.



- ویلبر، دونالد و گلمبک. لیزا، (۱۳۷۴)، معماری و هنر تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

مقالات:

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۲)، «خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات»، ماه هنر، ش ۷۰ و ۶۹، ۳۶-۲۵.

- اشرفی. احمد و میرجعفری. حسین، (۱۳۸۹)، «در زمینه های پیدایش مکتب هنری ایران در عصر تیموری و انتقال آن به عصر صفوی»، مجله علمی پژوهشی پژوهش نامه تاریخ، ش ۸، صص ۱۶۲-۱۴۷.

- برتلس. ی. او. آزموده، ابوالفضل، (۱۳۴۸)، «علیشیر نوایی و فرهاد و شیرین»، مجله پیام توس، ش ۱، صص ۳۳-۱۷.

- بلندی، فاطمه، (زمستان ۱۳۸۵)، «اوضاع فرهنگی اجتماعی هرات در عهد شاهرخ تیموری»، رشد و آموزش تاریخ، ش ۱۹، ۴۵-۱۵.

- بیات، مسعود، (زمستان ۱۳۸۹)، «روابط تیموریان با چین در نیمه قرن نهم هجری»، تاریخ و روابط خارجی، ش ۲۵، ۴۵-۵۰.

- ساسان پور، شهرزاد، (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، «روابط خارجی ایران، در دوره شاهرخ تیموری»، تاریخ و روابط خارجی، ش ۲۷ و ۲۶، ۱-۲۰.

- کاوسی، ولی الله، (۱۳۸۷)، «زمینه های توسعه هنر در دوره تیموریان»، آینه خیال، ش ۱۲، ۲۴-۲۷.

- لعل شاطری، مصطفی، (۱۳۹۳) «هنر در عهد تیموری»، فصلنامه پژوهش های علوم تاریخی، ش ۱۰، ۷۵-۵۹.

محمدی، ذکراه حسینی، مدینه، (۱۳۹۱)، «مناسبات امیرعلیشیر نوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی عصر تیموری»، مجله علمی پژوهش تاریخ ایران اسلامی، ش ۱۵، ص ۳۹-۲۴.

## **Investigating the role of political factors in the evolution of the decorative arts of the Timurid era**

**(with an emphasis on the art of book design and architecture)**

Masoumeh Sadat Nazm, Omid Sepehari Rad, RajabAli Vosoghi Mutlaq

### **Abstract**

Politics has always had a great impact on the evolution and diversity of the arts of a civilization. Timurid historical period is one of the glorious cultural periods. Knowing the place of art and getting help from artists, the Timurid rulers, in addition to consolidating and showing greatness of their political power, also provided the causes of artistic splendor. The main purpose of the research is to investigate the influence and role of political factors in the evolution of decorative arts of the Timurid era. The research has been done in a descriptive and analytical way and gathering information through library art historical sources. And by posing the question that; Which political factors played an important role in the transformation of the decorative arts of the Timurid era and the transformation occurred in which decorative arts was it more? It examines the role of political factors in the evolution of the decorative arts of the Timurid era. Among the results obtained are the grandeur and splendor of the court, confronting rivals, through political propaganda, the formation of scientific and artistic workshops by the ministers of relations with neighboring governments (China), the presence of artists in art centers and pointed out that on the one hand, it brings the rulers to their political goals, and on the other hand, it has caused the creativity of artists to evolve and transform the artistic style in motifs, through the formation of art schools in the decorative arts of book design and architecture.

**Keyword** :politics, decorative arts, book design, architecture, Timurid era